

برنامهٔ انکشافی ملل متحد

تهیه نقشهٔ سکتور خصوصی در افغانستان

دسمبر ۲۰۲۵

پیشگفتار



کشور افغانستان در یک مقطع حساس از انکشاف اجتماعی-اقتصادی خود قرار دارد. با وجود چالش‌های بزرگ، سکتور خصوصی در افغانستان از ظرفیت قابل ملاحظه ای برای احیای اقتصادی، ایجاد فرصت های معیشتی و تاب آوری در جوامع موجود در سرتاسر کشور برخوردار است. در زمانی که افغانستان با رکود اقتصادی، افزایش فقر و اتکای بیش از حد به مساعدت های بشردوستانه دست به گریبان میباشد، اهمیت سکتور خصوصی به عنوان «انجن رُشد و شریک انکشاف» را نمی‌توان نادیده گرفت

این گزارش پیرامون ترسیم نقشهٔ سکتور خصوصی دربرگیرندهٔ ارزیابی جامعی از فرصت‌ها و محدودیت‌های کنونی فراروی سکتور خصوصی افغانستان می‌باشد. این گزارش، بررسی دقیقی از موانع ساختاری مانند دسترسی محدود به منابع مالی، زیربناهای ناکافی، زنجیره‌های ارزش فروپاشیده، کمبود مهارت‌ها و بلاتکلیفی نهادهای نظارتی ارائه می‌دهد که همانند گذشته اعتماد به نفس کسب‌وکارها را تضعیف کرده و سرمایه گذاری را محدود می‌نمایند. همچنان، کسب‌وکارها با چالش های دوامدار در اتصال تجارتی یکجا با هزینه‌های بلند ترانسپورتی، زیربناهای ضعیف مرزی و رویه‌های گمرکی غیرقابل پیش‌بینی روبرو هستند که مانع رقابت می‌شوند

علاوه بر اینها، محدودیت‌های مرتبط به تأمین ناکافی انرژی، سیستم‌های مالی انکشاف نیافته و نبود پلتفورم های جامع بمنظور گفتگو بین سکتورهای دولتی-خصوصی – که می توانند شکاف بین پالیسی سازان و رهبران کسب‌وکارها را پُر کنند – نیز وجود دارند

با این وجود، حتی در وضعیت شکننده کنونی، این گزارش گسترهٔ وسیعی از فرصت‌های استفاده نشده، از صنایع سنتی مانند زراعت، تولید و استخراج گرفته تا سکتورهای در حال ظهور از جمله انرژی‌های قابل تجدید، تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات و توریزم را معرفی می‌نماید. در صورت استفاده از راهکارهای پیشرفتهٔ پروسس محصولات زراعتیِ و اعمار سردخانه‌های عصری، سکتور زراعت (که تقریباً یک سوم تولید ناخالص داخلی افغانستان را تشکیل می‌دهد) به تنهایی دارای ظرفیت قابل ملاحظه ای میباشد؛ از طریق صادرات محصولات زراعتی با ارزش بلند. به طور مشابه، صنعت نساجی، معادن فراوان، منابع انرژی قابل تجدید و اتصال دیجیتلی، همگی در موجودیت یک محیط توانمندساز، مسیرهای امیدوارکننده‌ای را به سوی سرمایه گذاری، نوآوری و کارآفرینی باز می‌کنند

این گزارش بر اهمیت اصلاحات سیاسی، شمولیت مالی، توانمندسازی اقتصادی زنان و ادغام تجارت منطقه‌ای به عنوان راز موفقیت هرگونه استراتیژی برای رشد سکتور خصوصی تأکید می‌کند. استفاده از خدمات بانکی در افغانستان همچنان در میان پایین‌ترین‌ها در سطح منطقه است و تنها ۶ درصد از جمعیت آن حساب بانکی دارند، در حالی که کسب وکارهای به رهبری زنان همچنان با «موانع نامتناسب.» فراروی مشارکت در اقتصاد رسمی مواجه هستند گسترش شمولیت مالی، به ویژه از طریق تمویل اسلامی، پول موبایل و تأدیه‌های دیجیتلی، برای دسترسی گسترده‌تر به اعتبارات بانکی و کاهش وابستگی به سیستم‌های مالی غیررسمی بسیار مهم خواهد بود

در عین حال، موقعیت جغرافیایی افغانستان فرصت‌های دست نخورده ای را برای «اتصال تجارتی» بیشتر فراهم می‌سازد. با بکارگیری کریدورهای ترانزیتی مانند مسیر ترانزیتی چابهار و کریدور لاجورد، هماهنگ‌سازی طرزالعمل های گمرکی و کاهش تنگناهای لوجستیکی، کسب‌وکارهای افغانستان می توانند به گونهٔ بهتر در زنجیره‌های ارزش منطقوی و جهانی مدغم شوند

تقویت مهارت‌ها از طریق آموزش‌های حرفوی هدفمند و همسو سازی ظرفیت‌های قوهٔ کار با نیازمندی های «سکتورهای با پتانسیل بلند» نیز برای رُشد پایدار ضروری خواهد بود

این تمرین تهیه نقشه نشان دهندهٔ تعهد برنامه انکشافی سازمان ملل متحد(UNDP)در افغانستان به برنامه‌ریزی مبتنی بر شواهد در راستای تقویت رشد اقتصادی همه شمول و بسیج هدفمند حمایت ها از سکتور خصوصی افغانستان می‌باشد. این تمرین تهیه نقشه با توجه به مشارکت دوامدار برنامه انکشافی سازمان ملل متحد(UNDP) تهیه شده است تا از فعالیت های گسترده‌تر «گروه کاری سکتور خصوصی(PSWG)تحت روند دوحه ۳» حمایت کرده و اطمینان حاصل نماید که مشارکت سکتور خصوصی به شیوه ای منطقی و اثرگذار در استراتیژی‌های انکشافی گنجانیده میشود
فعالیت های برنامه انکشافی سازمان ملل متحد(UNDP)در افغانستان، به شمول حمایت از انکشاف سکتور خصوصی، در رویکرد «مشارکت اصول منذ» ما ریشه دارد. این شامل تعهد ما به رویکرد مبتنی بر حقوق، رُشد همه شمول، مبارزه با فساد اداری و حصول اطمینان از مراعات «اصول حفاظت های اجتماعی و محیط زیستی در همهٔ اوقات» است. برنامه انکشافی سازمان ملل متحد(UNDP) در افغانستان دارای «مدیریت ریسک قوی» و بررسی‌ها و پروسه های حفاظتی است که از برنامه انکشافی سازمان ملل متحد(UNDP)حمایت میکند تا بتواند از استقلال کار ما در افغانستان موفقانه محافظت نماید و در آینده نیز تمام جنبه‌های رویکرد انکشاف سکتور خصوصی ما را هدایت و راهنمایی خواهند کرد. از همه مهمتراینکه برنامه انکشافی سازمان ملل متحد(UNDP)متعهد به رفع محرومیت اجتماعی و اقتصادی زنان - از طریق مراعات اصول حقوق بشر و احکام سازمان ملل متحد که ضامن مشارکت زنان در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی است – میباشد

این گزارش تحت یک «همکاری استراتیژیک با مرکز بین المللی استانبول برای انکشاف سکتور خصوصی(ICPSD)» وابسته به برنامه انکشافی سازمان ملل متحد(UNDP) تدوین شده است و بدون مشارکت ارزشمند اتحادیه های سکتور خصوصی افغانستان، نهادهای مالی و شرکای انکشافی که تجربیات و نظریات خود را شریک ساختند، امکان‌پذیر نمی بود. بدینوسیله از تیم تحقیق و تحلیل ICPSD به خاطر همکاری شان در جمع‌آوری و تحلیل ارقام، قدردانی ویژه می شود

برنامه انکشافی ملل متحد(UNDP) همچنان متعهد به حمایت از «گذار افغانستان از شکنندگی به تاب‌آوری» است. با ایجاد یک «محیط توانمندساز برای کسب‌وکارها»، ترویج گفتگوی همه شمول و استفاده از نوآوری و سرمایه‌گذاری، کوشش میکنیم تا سکتور خصوصی افغانستان بتواند نقش مکمل خود را در ساختن آینده‌ای شگوفاتر، همه شمول تر و پایدارتر ایفا کند

صمیمانه امیدوارم که این گزارش به عنوان یک منبع عملی برای پالیسی سازان، شرکای انکشافی، سرمایه‌گذاران و سکتور خصوصی مورد استفاده قرار گیرد. امید است که این گزارش مبنای استراتیژی‌ها قرار گیرد، الهام‌بخش همکاری ها باشد و سرمایه‌گذاری‌های هدفمندی را راهنمایی کند تا ظرفیت کسب‌وکارهای افغانستان را شگوفا گردد، میزان دسترسی به بازار را بلند ببرد و فرصت های شغلی برای مردم افغانستان ایجاد کند



استیفان رودریگز

نماینده عمومی برنامه انکشافی
سازمان ملل متحد در افغانستان

خلاصهٔ اجرایی

این گزارش نشان می‌دهد که سکتور خصوصی افغانستان کلید گذار از وضعیت فعلی رکود اقتصادی و معیشت شکننده به سوی تاب‌آوری و رشد اقتصادی میباشد. اقتصاد این کشور بیش از حد به مساعدت‌های بشردوستانه متکی است؛ در سطح منطقوی و بین‌المللی غیر فعال است؛ و فاقد اکوسیستم حیاتی مورد ضرورت برای حمایت از انکشاف سکتور خصوصی است. بنابراین، آزادسازی پتانسیل سکتور خصوصی مستلزم رفع محدودیت‌های حیاتی توانمندساز، غلبه بر موانع فراروی سکتورهای کلیدی برای بهره‌برداری از پتانسیل رشد، و تصویب اصلاحات در پالیسی های مورد ضرورت انکشاف خصوصی است. این سه پیش‌نیاز اساسی در ذیل مورد بحث قرار خواهند گرفت

1

محدودیت‌های حیاتی توانمندسازی فراروی انکشاف سکتور خصوصی شامل نبود سرمایه‌گذاری، دسترسی محدود به منابع مالی، اتصال تجارتی ناکافی، کمبود مهارت‌ها و شکاف‌ها و سردرگمی نظارتی است. همچنان، کسب‌وکارها با زیربناهای ناکافی و اطلاعات و خدمات غیر متمرکز در رابطه با بازار مواجه هستند که همهٔ اینها اعتماد به نفس سرمایه‌گذاران را تضعیف می‌کنند. نبود پلتفورهای برای گفتگوی همه شمول، تشبثات را از پروسه های پالیسی سازی دورتر هم می‌سازد

- **نبود سرمایه‌گذاری:** اقتصاد افغانستان از کمبود دوامدار سرمایه‌گذاری رنج می‌برد که این وضعیت از سال ۲۰۲۱ بدینسو بدتر نیز شده است؛ به‌ویژه با کاهش سرمایه‌گذاری خارجی. بدون سرمایه‌گذاری های عمدهٔ جدید در بخش های مختلف تولید، اقتصاد افغانستان همچنان در وضعیت رکود باقی خواهد ماند

- **دسترسی محدود به منابع مالی:** نقدینگی محدود، الزامات سختگیرانه وثیقه و میکنیزم های قرضه‌دهی انکشاف نیافته، مانع رشد کسب‌وکارها، به‌ویژه برای تشبثات خُرد، کوچک و متوسط(MSMEs)، شرکت‌های به رهبری زنان و تشبثات روستایی می‌شود. به دلیل محبوبیت کم بانکداری و عدم موجودیت راه‌های حل اعتباری مناسب، شمولیت مالی(Financial inclusion) همچنان در حد محدودی باقی میماند

- **اتصال تجارتی ناکافی:** هزینه‌های بلند ترانسپورت، زیربناهای مرزی ضعیف و اتکای شدید به ترانزیت از طریق چند کشور همسایه، رقابت تجارتی را محدود می سازد. تأخیرها در گمرکات، نبود طرزالعمل های هماهنگ و آسیب‌پذیری در برابر تغییرات سیاسی، سطح سردرگُمی عملیاتی را برای صادرکنندگان و واردکنندگان بلند می‌برد

- **کمبود مهارت‌ها و نیروی کار کمتر استفاده شده:** دهه‌ها جنگ آموزش و خدمات تعلیمات تخنیکی و مسلکی (TVET)را شدیداً متأثر ساخته است. در نتیجه، نیروی کار فاقد مهارت‌ها و ظرفیت های لازم برای پیشبرد یک اقتصاد مُدرن و درحال رُشد است. منع آموزش زنان و محدودیت‌های نیروی کار که در حال حاضر اعمال می‌شود، این وضعیت را به طور قابل ملاحظه ای بدتر می‌سازد. افغانستان جمعیت جوانی دارد که ضرورت به ارتقای مهارت ها و فراهم آوری فرصت‌های شغلی باکیفیت دارند تا بتوانند رُشد اقتصادی را پیش ببرند

- **اطلاعات محدود پیرامون بازار:** بسیاری از شرکت‌ها بدون دسترسی به اطلاعات قابل اعتماد دربارهٔ بازار، خدمات مشورتی مالی، و یا حمایت ها برای انکشاف کسب و کار فعالیت می‌کنند که این امر مانع اتخاذ تصامیم آگاهانه، به ویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) که در جستجوی انکشاف یا صادرات محصولات خود هستند، می‌شود

- **سردرگُمی های نظارتی:** کسب‌وکارها با پروسه های غیرقابل پیش‌بینی در قسمت صدور مجوز، مالیه و متابعت (Compliance) مواجه هستند. تطبیق نامنظم قوانین، احکام نامشخص و طرزالعمل‌های طولانی، باعث می‌شود تشبثات از رسمی‌سازی دلسرد شوند و مانع سرمایه گذاری داخلی و خارجی می‌شود. اتکای بیش از حد سکتور خصوصی به برنامه‌های که توسط دونرها تمویل میشوند، توأم با فقدان یک چارچوب عملیاتی برای شراکت عمومی–خصوصی(PPP)، وابستگی ایجاد کرده و پایداری را تضعیف می‌نماید

- **گفتگوی ناکافی بین سکتور عمومی و خصوصی:** نبود پلتفورهای برای گفتگوی همه شمول و ساختارمند، توانایی رسیدگی مؤثر به چالش‌ها را تضعیف می‌کند. عدم تعادل منطقوی و سکتوری در نمایندگی [حضور]، مانع از درک نیازمندی های متنوع کسب‌وکارها می‌شود

- **کمبود زیربناها:** دسترسی ناکافی به برق، ترانسپورت، آب و مخابرات، میزان تولید و پتانسیل سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را محدود می‌سازد. میزان استفاده از مناطق صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی (SEZ) بسیار پایین میباشد؛ به دلیل ارائه خدمات غیرقابل اعتماد و اتصال ناکافی. مصارف گزاف عملیاتی مربوط به انرژی، لوجستیک و مواد خام، رقابت تجاری را تضعیف کرده و پتانسیل انکشاف زنجیره‌های ارزش را محدود می‌سازد

علیرغم محیط بسیار شکننده و چالش‌های فراوان، ۹ سکتور کلیدی (اعم از صنایع قدیمی و جدید) فرصت های متفاوتی را برای سرمایه‌گذاری خصوصی، کارآفرینی و رشد صادرات ارائه می‌کنند. فرصت‌های که در این گزارش تشریح میشوند را می‌توان به صورت ذیل خلاصه کرد

- **زراعت:** سکتور زراعت تقریباً یک سوم تولید ناخالص داخلی (GDP) افغانستان را تشکیل می‌دهد و همانند گذشته یکی از ستون های اقتصاد این کشور است. با این حال، میزان تولیدات زراعتی به دلیل ظرفیت محدود پروسس محصولات زراعتی، سردخانه‌های ناکافی و زیربناهای پراکندهٔ لوجستیکی، محدود میباشد. اتکای شدید این سکتور به صادرات محصولات زراعتی با ارزش بلند - مانند زعفران، میوه‌های خشک و مغزباب - بر پتانسیل دست نخوردهٔ آن دلالت دارد

  - **صادرات محصولات زراعتی با ارزش بلند:** افغانستان زعفران، میوه‌های خشک و مغزباب را عمدتاً به چین، هند، پاکستان، ترکیه و امارات متحده عربی صادر می‌کند. با وجود تقاضای بلند برای این محصولات، ارزش افزوده اندک داخلی، درآمدزایی از این مسیر را محدود می‌سازد. توسعهٔ پروسس محصولات زراعتی و بهبود سیستم‌های درجه‌بندی محصولات، بسته‌بندی و ردیابی آنها می‌تواند قدرت رقابت و دسترسی به بازار را بلند ببرد
  - **سردخانه و لوجستیک:** زیربناهای ناکافی مورد ضرورت پس از جمع آوری محصولات زراعتی منجر به خساره های قابل ملاحظه و کاهش کیفیت صادرات می شود. سرمایه‌گذاری بر روی سردخانه‌های مدرن و فعالیت های لوجستیکی با کنترول درجهٔ حرارت، ضایعات زراعتی را کمتر ساخته و طول عمر محصولات زراعتی را افزایش می‌دهد، به ویژه برای اجناس فاسدشدنی
  - **تنوع صادرات و دهلیزهای تجاری:** افغانستان پتانسیل دست نخورده ای برای صادرات زراعتی دارد که ارزش آن بالغ بر ۳۵۰ میلیون دالر میباشد. افزایش اتصال تجارتی از طریق دهلیزهای مانند مسیر هوایی کابل-دهلی و دهلیز لاجورد می‌تواند وابستگی بیش از حد به مسیرهای ترانزیتی پاکستان را کاهش دهد و دروازهٔ بازارهای جدیدی را در آسیای مرکزی و جنوبی به روی این کشور باز نماید
  - **پروسس مواد غذایی:** پروسس مواد غذایی در سطح داخل کشور همچنان از لحاظ حُجم و تکنالوژی محدود است. تقویت این بخش از طریق انتقال تکنالوژی، دسترسی به منابع مالی و شراکت های عمومی-خصوصی (PPP) می‌تواند معیشت های روستایی را بهبود بخشد، فرصت های شغلی ایجاد کند و محصولات با ارزش افزوده بالاتر را برای صادرات تولید کند

- **تولید:** این سکتور غالباً متشکل از صنایع غذایی، نساجی، دواسازی، مواد کیمیاوی و فلزات میباشد، اما به دلیل زیربنا های ناکافی، کمبودات انرژی و محدودیت‌های مالی، توسعه نیافته باقی مانده است

  - **تولید مواد غذایی و نوشیدنی:** افغانستان در سال ۲۰۲۲ به مبلغ ۱۲.۶ میلیون دالر محصولات غذایی و نوشیدنی صادر کرد. با این حال، پتانسیل بهره‌برداری نشده ۳۶.۶ میلیون دالری، فرصت‌هایی را برای سرمایه‌گذاری در پروسس پیشرفته، بسته‌بندی و سردخانه ها پیشنهاد می‌کند
  - **نساجی:** صنعت نساجی، با ارزش ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دالر، همچنان به شدت به صادرات پنبه خام (۸۵ درصد از مجموع صادرات نساجی) وابسته است. حرکت به سمت تولید محصولات نساجی با ارزش بالاتر مانند کتان، ساتن و پارچه‌های طبی، ارزش تولیدات داخلی را بلند میبرد. این سکتور ظرفیت صادرات اضافی ۲۸.۶ میلیون دالری، به‌ویژه به چین، پاکستان و ایالات متحدهٔ آمریکا، دارد
  - **مواد کیمیاوی:** سکتور مواد کیمیاوی توسعه نیافته است و صادرات آن محدود به چند بازار است. افغانستان پتانسیل صادراتی ۶.۵ میلیون دالری دارد که عمدتاً شامل کودهای کیمیاوی و مواد کیمیاوی صنعتی می‌شود
  - **فلزات:** صادرات فلزات در سال ۲۰۲۲ به ۳۷ میلیون دالر رسید، اما افغانستان ۱.۰۹ میلیارد دالر پتانسیل صادراتی استفاده نشده، به ویژه در قسمت صادرات طلا، سنگ‌های قیمتی و ضایعات آهن دارد. گسترش تولید با ارزش افزوده می‌تواند نقش افغانستان را در بازارهای منطقه‌ای افزایش دهد

- **سکتور معادن:** سکتور معادن افغانستان حدود یک تریلیون دالر ثروت منابع طبیعی را شامل میشود، اما به دلیل تکنیک‌های استخراج قدیمی، چارچوب‌های نظارتی ناکافی و زیربناهای محدود، تا حد زیادی توسعه نیافته باقی مانده است

  - **ذخایر منرال ها:** منابع کلیدی شامل ۳۰ میلیون تُن مس، ۱.۷ میلیارد تُن سنگ آهن و همچنین ذخایر قابل ملاحظهٔ لیتیم و عناصر خاکی کمیاب است. این منرال ها به طور فزاینده‌ای در زنجیره‌های تأمین جهانی، به ویژه برای تکنالوژی‌های گذار انرژی، اهمیت دارند
  - **هایدروکاربن‌ها:** ذخایر تثبیت‌شده شامل ۱.۶ میلیارد بُشکه تیل خام و ۱۶ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی است. این منابع به دلیل محدودیت‌های لوجستیکی و تخنیکی همچنان مورد بهره برداری قرار نگرفته‌اند

- **پتانسیل و محدودیت‌های سکتور:** توسعه این سکتور به دلیل نواقص موجود در قوانین، زیربناها و ظرفیت پروسس با موانعی مواجه است. رسیدگی به این چالش‌ها بمنظور افزایش استخراج معادن و ارزش افزوده ضروری میباشد
- **شراکت های عمومی–خصوصی:** راه اندازی شراکت های عمومی–خصوصی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی می‌تواند انکشاف گسترده این سکتور را تسهیل سازد، ظرفیت صادرات را بهبود بخشد و از رُشد اقتصادی گسترده‌تر حمایت کند

سکتور ساختمانی: سکتور ساختمانی محرک کلیدی انکشاف اقتصادی در افغانستان است و پتانسیل حمایت از رشد زیربناها، شهرنشینی و ایجاد مشاغل را دارا میباشد. با این حال، پیشرفت در این سکتور به دلیل چالش‌های دوامدار، از جمله دسترسی اندک به منابع مالی و ناکارآمدی‌های اداری، محدود شده است

- **محدودیت‌های سکتور:** موانع مالی و اداری، اجرای پروژه ها را به تأخیر مواجه ساخته است و مصارف فعالیت‌های ساختمانی عمومی و خصوصی را بلند برده است
- **نیازمندی های پالیسی و سرمایه‌گذاری:** اصلاحات استراتیژیک با هدف آوردن تغییرات مثبت در وضاحت و شفافیت نظارتی، توأم با ابتکارات هدفمند سرمایه گذاری، می‌تواند به باز شدن مسیرهای رُشد در این سکتور کمک نماید
- **شراکت های عمومی و خصوصی:** تقویت شراکت های عمومی–خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با هدف بسیج سرمایه و دانش مسلکی برای پروژه‌های بزرگ زیربنایی و مسکن، ضروری خواهد بود
- **درس‌های بین‌المللی:** گرفتن معلومات دربارهٔ نحوهٔ بازسازی پس از جنگ در کشورهای دیگر، درس‌های مفیدی را برای برنامه‌ریزی زیربناها، ساختار مالی و اجرای پروژه تحت شرایط پیچیده فراهم می‌کند
- **اولویت‌های آینده:** تأکید بر اتصال منطقه‌ای، مسکن اقتصادی [ارزان قیمت] و روش‌های اعمار مبتنی بر صرفه جویی انرژی می‌تواند تاب‌آوری را افزایش داده و از بهبود اقتصادی بلندمدت حمایت کند

انرژی: سکتور انرژی افغانستان همچنان از لحاظ دسترسی و ظرفیت محدود است و تنها ۴۰ درصد از جمعیت به شبکه برق دولتی وصل هستند. جمعیت باقیمانده به راه‌های حل غیرمتمرکز، از جمله سیستم‌های خورشیدی خانگی و جنراتورهای دیزلی، وابسته هستند

- **دسترسی و فراهم آوری:** دسترسی به برق در سطح ملی کم است و تولید داخلی، عمدتاً برق آبی، تنها ۲۵ درصد از مجموع تقاضاها را تأمین می‌کند. این کمبود با واردات از کشورهای همسایه مانند ایران، ترکمنستان و ازبکستان برطرف می‌شود
- **پتانسیل انرژی قابل تجدید:** افغانستان دارای منابع قابل ملاحظهٔ انرژی قابل تجدید است که هنوز مورد استفاده قرار نگرفته‌اند، از جمله حدود ۲۲۲۰۰۰ میگاوات برق خورشیدی، ۶۷۰۰۰ میگاوات برق بادی و ۲۳۰۰۰ میگاوات برق آبی
- **تمرکز جغرافیایی:** ساحاتی مانند هرات، قندهار و نیمروز - با میزان بلند تابش نور خورشید و وزش باد مداوم - از شرایط مطلوب برای توسعه انرژی خورشیدی و بادی برخوردار هستند
- **اولویت‌های استراتیژیک:** گسترش سرمایه‌گذاری در زیربناهای انرژی قابل تجدید می‌تواند امنیت انرژی را بهبود بخشد، وابستگی به واردات را کمتر سازد و از رشد فعالیت‌های صنعتی حمایت کند

بانکداری و امور مالی: سکتور بانکداری افغانستان همچنان توسعه نیافته باقی مانده است. مشارکت مردم در این سکتور محدود است و غالباً از یک سیستم مالی غیررسمی استفاده میشود. «شمولیت مالی رسمی» همچنان پایین است و چالش‌های ساختاری از نقطه نظر نظارتی، تکنالوژی و نهادی همچنان پابرجاست

- **دسترسی به خدمات مالی:** تنها ۶ درصد از جمعیت افغانستان حساب بانکی دارند، در حالی که شمولیت مالی دیجیتل زیر ۸ درصد باقی مانده است. بازیگران مالی غیررسمی، به ویژه صرافها – صرافان سنتی و خدمات انتقال پول – همچنان تسلط خود را حفظ کرده اند، اما آنها قرضه نمی‌دهند یا خدمات بانکی رسمی را ارائه نمی‌کنند
- **گذار به اصول مالی اسلامی:** تغییر به چارچوب بانکداری اسلامی فرصت‌های جدیدی را فراهم می‌کند، اما گذار مؤثر، نیازمند استندردهای نظارتی شفاف، منابع انسانی ماهر و افزایش آگاهی عامه است
- **امور مالی دیجیتل و موبایل:** با وجود پایین بودن میزان شمولیت رسمی، میزان استفاده از موبایل در افغانستان ۷۰ درصد است که نشان‌دهنده پتانسیل قوی برای خدمات مالی دیجیتل، به‌ویژه در مناطق روستایی و محروم مانده از خدمات، است
- **حواله‌ها و جریان‌های غیررسمی:** سالانه بیش از ۵ میلیارد دالر از طریق شبکه‌های غیررسمی حواله در گردش است. گسترش پرداخت‌های دیجیتل، برنامه های سواد مالی و خدمات بانکی مرتبط با حواله می تواند به رسمی‌سازی این جریان‌ها و افزایش نقدینگی بخش بانکی از ۲ میلیارد دالر در وضعیت کنونی به حدود ۱۰ میلیارد دالر کمک کند
- **گسترش تأمین مالی کوچک (مایکروفاینانس):** تقویت مؤسسات تأمین مالی کوچک و گسترش دسترسی به اعتبارات کوچک می‌تواند از کارآفرینی و تاب‌آوری اقتصادی، به‌ویژه برای زنان و ساکنان ساحات روستایی، حمایت کند

مراقبت‌های صحی: سکتور مراقبت‌های صحی در افغانستان با اینکه بیش از ۷۶ درصد از کل مصارف را از طریق بودجه خصوصی تأمین می‌کند، همچنان با کمبود منابع مواجه است. این سیستم با چالش‌های دوامدار از جمله وابستگی به واردات، زیربناهای محدود و کمبود پرسونل آموزش‌دیده و تجهیزات طبی روبرو است

- **ظرفیت مراقبت‌های صحی:** این کشور تنها چهار تخت شفاخانه و سه داکتر برای هر ۱۰،۰۰۰ نفر دارد. محدودیت‌های ظرفیت به ویژه در مناطق روستایی – که دسترسی به مراقبت‌های صحی محدودتر از سایر مناطق است – بیشتر مشاهده میشود
- **مراکز صحی تخصصی:** تأسیس مراکز تخصصی، مانند واردهای انکولوژی [تشخیص سرطان] و شفاخانه های چشم، می‌تواند گزینه‌های تداوی محلی را گسترش داده و وابستگی به مسافرت های طبی گزاف به خارج از کشور را کاهش دهد
- **تولید ادویه جات:** صنعت دواسازی داخلی همچنان توسعه نیافته است. گسترش تولیدات داخلی، وابستگی به واردات را کاهش داده و به تضمین عرضه پایدارتر داروهای ضروری کمک می‌کند
- **طبابت از راه دور:** راهکارهای دیجیتل مراقبت‌های صحی با ابتکاراتی مانند Arian Teleheal و صندوق وجهی بشردوستانه افغانستان (AHTF) که از تشخیص و مشوره از راه دور حمایت می‌کنند، در حال افزایش محبوبیت هستند. طبابت از راه دور می‌تواند دسترسی به مراقبت‌های صحی را، مخصوصاً در مناطق محروم از خدمات، بهبود بخشد
- **زیربنای صحت دیجیتل:** سرمایه‌گذاری بیشتر در زیربناهای دیجیتل و آموزش کارکنان مراقبت‌های صحی برای گسترش طبابت از راه دور و افزایش ارائه خدمات در سرتاسر کشور ضروری است
- **گیاهان دارویی:** سکتور گیاهان دارویی افغانستان از پتانسیل قابل ملاحظه ای برای تنوع صادرات و توسعه اقتصاد روستایی برخوردار است. اما، همچنان با محدودیت‌های ساختاری در پروسس، دسترسی به بازار و کارآفرینی مواجه است. در سال ۲۰۲۴، افغانستان به مبلغ ۲۰ میلیون دالر گیاهان دارویی صادر کرد. محصولات کلیدی شامل هینگ، شیرین بیان (Glycyrrhiza glabra)، زیره سیاه و سیاه‌دانه است که بازارهای عمدهٔ این محصولات در کشورهای چین، هند، پاکستان، ترکیه و امارات متحده عربی قرار دارد

تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات (ICT): سکتور تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات افغانستان پیشرفت قابل ملاحظه ای در گسترش دسترسی دیجیتل و جذب سرمایه‌گذاری خصوصی داشته است، اما با چالش‌های ساختاری مواجه است که توسعه و ادغام منطقوی آن را محدود می‌کند

- **وضعیت کنونی و موانع:** در حالی که «اتصال» بهبود یافته است، این بخش همچنان با شکاف‌های زیربنایی، هزینه‌های بلند خدمات، ناکارآمدی‌های نظارتی و ادغام دیجیتل فرامرزی محدود مواجه است
- **زیربنا و شمولیت:** سرمایه‌گذاری‌های هدفمند در زیربنا های انترنت پُرسرعت، تأمین انرژی بدون سکتگی، و سواد دیجیتلی برای گسترش دسترسی، به ویژه در مناطق روستایی، ضروری است
- **همکاری عمومی–خصوصی:** تقویت شراکت های عمومی–خصوصی (PPP) تقویت قوانین امنیت سایبری و ترویج نوآوری در حوزه تکنالوژی مالی و استارت‌آپ‌های دیجیتل از طریق مراکز رشد (incubators) می‌تواند به بهبود ارائه خدمات دیجیتل کمک کند
- **ادغام منطقوی:** موقعیت جغرافیایی افغانستان فرصتی را برای ایفای نقش به عنوان یک کریدور دیجیتل منطقوی فراهم می‌کند. مشارکت در ابتکاراتی مانند پروژه دیجیتل کاسا و جاده ابریشم دیجیتل می تواند اتصال، تجارت الکترونیک و امور مالی دیجیتل را در سرتاسر آسیای مرکزی و جنوبی تقویت کند
- **اولویت‌های استراتیژیک:** یک چارچوب پالیسی دیجیتل جامع با تمرکز بر مشوق‌های سرمایه‌گذاری، اقتصادی بودن و رقابت در بازار، برای معرفی تأثیرات اقتصادی گسترده‌تر این سکتور ضروری خواهد بود

توریزم: سکتور توریزم افغانستان از پتانسیل قابل ملاحظه و استفاده نشده ای برخوردار است که توسط میراث فرهنگی غنی، مناظر طبیعی متنوع و آبدات مذهبی حمایت می‌شود. با این حال، توسعه این سکتور به دلیل نگرانی‌های دوامدار امنیتی، محدودیت‌های زیربنایی و عدم توجه بین‌المللی محدود شده است

- **پتانسیل سکتور:** جاذبه‌های تاریخی، مناظر طبیعی و تنوع فرهنگی کشور، فرصت‌هایی را برای رُشد توریزم فرهنگی، مسافرت های ماجراجویانه، و مذهبی فراهم می‌کند
- **زیربناها و دسترسی:** شبکه‌های ترانسپورتی توسعه نیافته، گزینه‌های محدود اسکان و خدمات توریستی ناکافی همچنان موانع کلیدی فراروی گسترش این صنعت هستند
- **سرمایه‌گذاری و خدمات:** سرمایه‌گذاری‌های هدفمند بر روی زیربناهای جاده، امکانات هوتل داری و خدمات توریستی مسلکی لازم است تا تجربیات توریست ها بهتر شده و این سکتور انکشاف پیدا کند
- **پالیسی و هماهنگی:** ساده‌سازی طرزالعمل های صدور ویزه، همکاری های منطقوی و انکشاف پالیسی های ساختارمند در زمینهٔ توریزم می‌تواند دسترسی بین‌المللی را افزایش داده و پایداری عملکرد این صنعت را تقویت نماید

- **مودل‌های توریزم پایدار:** ابتکارات ایکو-توریزم و محافظت از میراث فرهنگی می‌توانند به ایجاد منافع محلی کمک کرده و در عین حال تمامیت فرهنگی و محیط زیستی کشور میزبان را حفظ می‌کنند. پلتفورم های دیجیتل و ابزارهای بازاریابی می‌توانند مشارکت جهانی را بیش از پیش بهبود بخشند

3

مداخلات پالیسی امکانپذیر به خوبی تطبیق شده» برای تحقق فرصت‌های شناسایی شده در سکتورهای مختلف ضروری است. ۱۱ حوزه اولویت‌دار زیر به چالش‌های ساختاری پاسخ می‌دهند و هدف آنها ایجاد شرایط برای سرمایه گذاری، رشد تشبثات و مشارکت اقتصادی همه شمول است

- **طراحی میکنیزم های تشویقی مختص هر سکتور:** چشم‌انداز اقتصادی متنوع افغانستان، ظرفیت پالیسی سازی را میطلبد که بتواند به طور مؤثر حمایت‌های انعطاف‌پذیر و هدفمند را بر اساس نیازمندی های خاص صنعت و منطقه فراهم نماید، نه بر اساس طرح‌های عمومی و یک پالیسی برای همه. به عنوان مثال، در سکتور زراعت، مشوق‌ها باید بر تکنالوژی های فارمداری مدرن و زیربنای زنجیره ارزش متمرکز شوند، در حالی که در سکتور تولیدی، مساعدت های دولتی برای تجهیزات صنعتی یا معافیت‌های مالیاتی می‌تواند رُشد تولیدات را افزایش دهد

- **تقویت مناطق ویژه اقتصادی (SEZ):** مناطق ویژه اقتصادی، راه‌حل مناسبی برای بهره وری در چارچوب مقررات ملی توسعه‌نیافته و نواقص زیربنایی فراهم می نمایند. این گزارش، هرات، قندهار و مزارشریف را به عنوان مکان‌های آینده دار معرفی می‌کند که در آن‌ها سرمایه گذاری‌های هدفمند می‌تواند قدرت رقابت سکتور خصوصی و شمولیت اقتصادی را افزایش دهد، به شرط اینکه استندردهای طراحی همه شمول - مانند فضاهای امن برای زنان و مراکز تعلیمات مسلکی در سایت - در پلانگذاری گنجانیده شوند

- **گسترش شمولیت مالی و ابزارهای دیجیتل:** دسترسی به منابع مالی همچنان یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها فراروی شرکت‌های افغان، به‌ویژه شرکت‌های خرد، کوچک و متوسط (MSMEs) و کسب‌وکارهای به رهبری زنان است. فروپاشی خدمات بانکی رایج، فضایی را برای مُدل‌های جایگزین، از جمله انتقال پول از طریق موبایل، امور مالی اسلامی و بکسک‌های دیجیتل، باز کرده است. با حمایت هدفمند از ایکوسیستم، نوآوری‌هایی مانند پلتفورم‌های تکنالوژی مالی (fintech) مبتنی بر بایومتریک می‌توانند بدون نیاز به پروسهٔ متعارف احراز هویت یا سواد بانکی، به کاربران کم‌سواد و زنان امکان دسترسی فراهم کنند

- **بازسازی پلتفورم‌های گفتگوی عمومی-خصوصی:** پیش از سال ۲۰۲۱، نهادهای هماهنگ کنندهٔ سکتور خصوصی در بیان نمودن نگرانی‌های تجاری و پیشنهاد کردن اصلاحات نقش داشتند. غیر حاضری کنونی آنها باعث میشود که شرکت‌های خُرد، کوچک و متوسط نماینده ای نداشته باشند. تقویت گفتگوی همه شمول و توسعه مودل‌های سرمایه‌گذاری عمومی-خصوصی برای سکتورهای استراتیژیک در اهداف گروه کاری سکتور خصوصی دوحه ۳ در نظر گرفته شده است و می‌تواند از طریق گروه‌های فنی کاری، اتحادیه های تجاری قانونی و مشوره‌های شفاف که طراحی پالیسی ها و مشارکت سکتور خصوصی را تقویت خواهد کرد، تسهیل شود

- **بهبود تسهیل تجارت و ادغام منطقوی:** موقعیت محصور در خشکه افغانستان و زیربناهای تجاری ناکافی، توانایی این کشور را برای مشارکت در زنجیره‌های ارزش در سطح منطقه و جهان محدود می‌سازد. برای افزایش ادغام در بازارها، تنظیم طرزالعمل های گمرکی، نوسازی زیربناهای مرزی و استفاده از کریدورهای ترانزیتی .منطقوی مانند چابهار و کریدور لاجورد بسیار مهم است هماهنگی با کشورهای همسایه در زمینه استندردهای هماهنگ و همکاری‌های گمرکی نیز برای آزادسازی پتانسیل تجاری و متنوع سازی شراکت های خارجی افغانستان ضروری است

- **ارتقای مهارت‌ها برای سکتورهای اولویت دار و به ویژه برای زنان:** تفاوت قابل‌ملاحظه ای بین مهارت‌های نیروی کار کنونی و نیازمندی های «سکتورهای با پتانسیل بلند» که در این گزارش مورد تحلیل قرار گرفته اند، وجود دارد. سرمایه‌گذاری در تعلیمات تخنیکی و مسلکی (TVET)، نصاب درسی حساس به جنسیت، آموزش مهارت‌های نرم و آموزش دیجیتل می‌تواند شمولیت و بهره‌وری بلندمدت را افزایش دهد

- **گذار از تمویل مالی بشردوستانه به تمویل مالی سرمایه‌گذاری‌محور:** افغانستان همچنان به شدت به مساعدت های بشردوستانه و حمایت‌های کوتاه‌مدت تمویل کننده گان وابسته است. اگراینگونه مساعدت ها در شرایط کنونی ضروری است، اما ضرورت واضحی وجود دارد؛ برای گذاراز وضعیت کنونی به سوی تمویل مالی بلندمدت و متمرکز بر انکشاف سرمایه‌گذاری. همسویی مشارکت تمویل کننده گان با اولویت‌های سکتور خصوصی می‌تواند پایداری را بهبود بخشد و وابستگی به مساعدت ها را به مرور زمان کاهش دهد

- **حمایت از انکشاف تشبثات زنان:** تشبثات به رهبری زنان در افغانستان با محدودیت‌های نامتناسبی از جمله

محدودیت تحرک، دسترسی محدود به منابع مالی، محرومیت دیجیتال و همچنین موانع سیاسی برای مشارکت آنها در اقتصاد رسمی مواجه هستند. ایجاد مناطق متمرکز بر زنان در مناطق ویژه اقتصادی، تضمین حمل و نقل ایمن و مقرون به صرفه و ترویج مدل‌های تولید خانگی، راه‌حل‌های عملی ارائه می‌دهد

اجرای اصلاحات نظارتی و ساده‌سازی مراحل اداری:

یک فضای نظارتی سنگین و غیرقابل پیش‌بینی همچنان مانع مهمی برای رشد سکتور خصوصی است. طرزالعمل های ثبت کسب‌وکار، صدور مجوز و مالیه باید ساده‌سازی شوند، شفاف تر شوند و دیجیتلی شوند. حقوق مالکیت، سیستم‌های گمرکی و پروسه های حل اختلافات تجاری نیاز به شفافیت و صحت دارند

تقویت هماهنگی و لوجستیک مرتبط به زنجیره ارزش:

زنجیره‌های ارزش پراکنده، کارآیی و سودآوری سکتورهای کلیدی مورد تحلیل در این گزارش را محدود می‌سازند. هماهنگی بهتر بین تولیدکنندگان، پروسس کنندگان و تاجران، توأم با سرمایه‌گذاری در مراکز جمع آوری، تأسیسات بسته‌بندی و خدمات صدور تصدیق نامه ها، می‌تواند میزان تولید و ارزش افزوده را بلند ببرد

اتخاذ یک رویکرد جامع:

یک رویکرد جامع و یکپارچه که تلاش‌های مبارزه با مواد مخدر و توسعه سکتور خصوصی را ترکیب می‌کند، فرصتی برای ایجاد راه‌های حل ساختارمند و بلندمدت - که فراتر از وابستگی به کمک های خارجی حرکت کرده و رشد اقتصادی خودکفا را تقویت خواهد کرد - ارائه می‌کند. برای دستیابی به این هدف، مداخلات اولویت‌دار باید بر بهبود زنجیره ارزش، دسترسی به منابع مالی (از جمله گذار به امور مالی اسلامی و حمایت از مؤسسات مایکروفایننس) و «ادغام تدریجی جوامعی که قبلاً به کشت تریاک وابسته بودند در اقتصاد رسمی» متمرکز شوند. چندین زنجیره ارزش زراعتی و صنعتی می‌توانند دهاقین سابق تریاک را جذب کرده و جایگزین‌های رقابتی و سودآوری فراهم سازند

- **از پنبه تا نساجی:** افغانستان سابقه طولانی در کشت پنبه دارد و با سرمایه‌گذاری‌های مناسب در قسمت پروسس، ریسندگی و تولید لباس، زنجیره ارزش پنبه و نساجی می‌تواند اشتغال ایجاد کرده و جایگزین واردات پارچه شود
- **گل های رُز برای روغن‌های ضروری و صابون‌ها:** کشت گل رُز برای روغن‌های ضروری و لوازم آرایشی طبیعی، یک «محصولِ جایگزین با ارزش بلند» برای مناطقی است که قبلاً مصروف کشت تریاک بودند. با درنظر داشت افزایش تقاضاهای جهانی برای محصولات زیبایی ارگانیک و تهیه شده از منابع صحیح از لحاظ اخلاقی، این سکتور پتانسیل صادرات را دارا میباشد
- **پروسس سیتروس ها و سایر میوه‌ها:** صادرات انار، میوه های سیتروس و خشک می‌تواند از طریق پروسس و برندسازی بهتر، گسترش بیشتری پیدا کرده و افغانستان را به بازارهای بین‌المللی برتر وصل سازد
- **گیاهان دارویی و معطر:** انکشاف قابلیت‌های پروسس گیاهان دارویی مانند زعفران، شیرین بیان و هینگ می‌تواند به افغانستان کمک کند تا فراتر از صادرات مواد خام حرکت کند و ارزش بیشتری از منابع زراعتی خود بدست آورد

شمولیت



اقتصاد افغانستان تغییرات ساختاری زیادی را تجربه کرده است که شامل تقلیل فعالیت اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری، و محدود شدن روزافزون بازار کار می باشد. سکتور خدمات همچنان مهم‌ترین سهم را در تولید ناخالص داخلی دارا میباشد. با این حال، کاهش تقاضای مصرف‌کنندگان و بی‌ثباتی مالی نقش آن را تضعیف کرده است. سهم زراعت در تولید ناخالص داخلی افزایش یافته است، اما میزان تولید پایین و ناکارآمدی زنجیره تأمین، پتانسیل آن را تضعیف می‌کند. تولید صنعتی با کمبود زیربناها، محدودیت‌های تمویل مالی، عدم سرمایه‌گذاری و سکتگی های تجاری مواجه است که مانع رشد پایدار می شود. در حالیکه فرصت های کاری از سکتور زراعت به دیگر سکتورها جابجا شده است، ایجاد مشاغل، به ویژه برای جوانان و زنان، همچنان ناکافی است

تغییرات دیموگرافیکی حاوی فرصت‌ها و چالش‌های اساسی از نقطه نظر انکشاف سکتور خصوصی می‌باشد. جمعیت در حال رُشد افغانستان و افزایش شهرنشینی، تقاضاها برای زیربناها، مسکن ها و خدمات را به ویژه در شهرهای مانند هرات، کابل و ننگرهار بلند برده است. با این حال، نابرابری‌های منطقوی همچنان ادامه دارد و بخش عمده‌ای از جمعیت ساکن مناطق روستایی از فرصت‌های اقتصادی محدودی برخوردار هستند. روند شهرنشینی سرعت گرفته است، اما افغانستان همچنان نسبت به همتایان خود در سطح منطقه کمتر شهرنشین است و این امر مزایای انکشاف منطقوی، درهم تنیدگی اقتصادی و دستاوردهای تولیدی را برای سکتور خصوصی محدود می‌سازد

با وجود چالش‌ها، سکتور خصوصی همچنان ستون کلیدی و مقاوم فعالیت های اقتصادی است. تولیدات سکتور خصوصی اخیراً رشد داشته است؛ به ویژه در زمینهٔ محصولات غذایی، نوشیدنی‌ها و تولید فلزات. تولیدات زراعتی تقریباً یک سوم تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند و پس از آن سایر خدمات، پرچون فروشی و تولیدات دستی قرار دارند. تولید مواد غذایی و نوشیدنی‌ها قسمت اعظم این سکتور را تشکیل می‌دهد، در حالی که کارهای ساختمانی، امور مالی و معدنکاری سهم اندکی در این سکتور دارند. پایه و اساس صادرات افغانستان با توجه به تنوع محدود، وابستگی به چند شریک کلیدی و ترکیب تعداد محدودی از محصولات تعریف می‌شود. صادرات به شدت به هند و پاکستان وابسته است که شرکای اصلی این کشور محسوب میشوند. صادرات عمدتاً شامل اجناس مانند زغال سنگ، میوه‌های خشک و پنبه خام هستند که نشان دهنده اقتصادی است که همچنان به منابع طبیعی و تولیدات زراعتی - با حداقل تولید ارزش افزوده - وابسته است. با وجود تلاش‌ها برای گسترش صادرات مواد غذایی پروسس شده و منرال های تصفیه شده، شکاف‌های زیربنایی و موانع نظارتی مانع پیشرفت شده‌اند. صادرات انواع خدمات، به ویژه در زمینهٔ تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات و لوجستیک، در گذشته پتانسیل رُشد را نشان داده است، اما موانع فراروی معاملات مالی و محدودیت‌های بانکی مانع از ادغام در بازارهای جهانی اقتصاد دیجیتل می‌شود

بهبود محیط کسب‌وکار افغانستان امری حیاتی برای انکشاف اقتصادی پایدار است؛ مخصوصاً اگر این کشور از سیستم‌های مالی غیررسمی فاصله بگیرد. یکی از مهم ترین چالش‌ها، تمویل مالی دهاقینی است که در بعضی از ساحات افغانستان از لحاظ تاریخی وابسته به عایدات حاصل از کشت تریاک یا شبکه‌های قرضه دهی غیررسمی برای خرید تجهیزات و مواد خام زراعتی بوده‌اند. نبود بدیل های تمویل مالی ساختارمند باعث شده است تا بسیاری از دهاقین به شدت تلاش کنند تا بتوانند فعالیت‌های زراعتی قانونی خود را دوام دهند. گسترش دسترسی به قرضه های کوچک، برنامه های قرضه دهی تحت حمایت دولت یا مودل‌های بانکداری کوپراتیفی می‌تواند به پُر کردن این شکاف کمک کند. علاوه بر این، میزان بلند بی‌سوادی در افغانستان توأم با محرومیت زنان و دختران از آموزش و مشارکت اقتصادی، موانع قابل ملاحظه ای را فراروی شمولیت مالی ایجاد کرده و توانایی مردم را برای سهم گیری در فعالیت های مرسوم بانکی محدود می سازد. اجرای راه‌های حل تکنالوژی مالی مبتنی بر اثر انگشت به صاحبان بی‌سواد کسب‌وکارها این اجازه را می‌دهد تا بدون نیاز به داشتن سواد، به قرضه ها، پس‌اندازها و پرداخت‌های دیجیتل دسترسی مصئون داشته باشند، که این امر با پیروی از مودل‌های موفق در کشورهای مانند هند و کنیا محقق شده است. از زمان تغییر نظام در آگست ۲۰۲۱ بدینسو، تعامل بین سکتور خصوصی و مقامات حکومت سرپرست کاهش یافته است و سازمان‌های که از کسب‌وکارها نمایندگی میکنند اکنون نقش کمتری در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارند

یکی دیگر از محدودیت‌های کلیدی، فقدان روابط متقابل بین بانک ها است که توانایی افغانستان را در تجارت بین المللی و معاملات مالی محدود می‌کند. ایجاد شراکت ها بین بانک‌های افغانستان و مؤسسات مالی جهانی می‌تواند پرداخت‌های فرامرزی، حواله‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی را تسهیل کند و بحران نقدینگی را کاهش دهد. به موازات آن، اصلاحاتی که با هدف بهبود رتبه افغانستان از لحاظ «سهولت انجام کسب‌وکار» انجام می‌شوند، میتواند به جلب توجه بین المللی و حمایت های تخنیکی کمک کنند. با این حال، رتبه بندی‌های بین‌المللی به تنهایی برای ایجاد تحول اقتصادی واقعی کفایت نمی کنند. بنابراین، افغانستان باید اصلاحات را به گونه‌ای طراحی و ترتیب نماید که مستقیماً موانع ساختاری، مانند محدودیت‌های قرضه دهی، سردرگمی نظارتی و شکاف‌های زیربنایی را برطرف سازد. بهبود در شاخص‌ها می‌تواند از چنین تغییرات بنیادی ناشی شود و باید چنین باشد. اما اولویت دهی به اصلاحات ظاهری یا محدود به بعضی موارد خاص، خطر انحراف توجه از مبانی عمیق‌تر انکشاف سکتور خصوصی را به همراه دارد. برای اینکه تلاش‌ها در عرصهٔ پالیسی سازی موثرمحسوب شود باید به پیشرفت محسوس کسب و کارها و شهروندان، از جمله سرمایه‌گذاری بیشتر، ایجاد مشاغل و شمولیت مالی، منتج شود. پیشرفت در رسیدگی به مشکلات مرتبط به روابط متقابل بین بانک ها به این موضوع بستگی خواهد داشت که مقامات حکومت سرپرست محدودیت‌های اعمال شده بر زنان و دختران را کمتر سازند تا افغانستان کمتر به عنوان یک «ریسک حیثیتی» برای بانک‌ها و کسب و کارهای خارجی دیده شود

این گزارش، مروری کلی بر چشم‌انداز اقتصادی افغانستان با تمرکز بر چالش‌ها و فرصت‌های کلیدی ارائه کرده است

با این حال، باید محدودیت‌های ساختاری برطرف شوند تا پتانسیل کامل سکتور خصوصی به فعلیت رسیده و یافته‌های این گزارش به اقدامات عملی تبدیل شوند. پیشنهادات ذیل با هدف بهبود شرایط سرمایه‌گذاری، تقویت رُشد کسب و کارها و ارتقای شمولیت اقتصادی در سکتورها و ساحات مختلف تهیه و ترتیب شده اند و در عین حال به اهداف کلان اقتصادی گسترده‌تر مانند کارآفرینی، تنوع صادرات و تاب‌آوری اقتصادی بلندمدت نیز کمک میکنند

طراحی میکنیزم های تشویقی مختص هر سکتور

با توجه به سکتورهای اقتصادی متنوع افغانستان، بعید است که رویکرد پالیسی «یک نسخه برای همه» مؤثر باشد. به عنوان مثال، سکتور زراعت ضرورت به سرمایه‌گذاری در سردخانه، لوجستیک و پروسس پس از جمع آوری محصولات زراعتی دارد. برعکس، سکتورهای تولیدی مانند نساجی یا پروسس مواد غذایی ضرورت به دسترسی بهتر به منابع مالی، ارتقای تکنالوژی و تسهیل صادرات دارند. مشوق‌ها باید بر تکنالوژی های زراعتی مدرن و زیربناهای زنجیره ارزش برای

سکتور زراعت متمرکز شوند و همزمان مساعدت های دولتی برای تجهیزات صنعتی یا معافیت‌های مالیاتی می‌تواند رشد سکتور تولیدی را افزایش دهد

تقویت مناطق ویژه اقتصادی (SEZs)

مناطق ویژه اقتصادی(SEZ) یک راه حل عملی برای افزایش قدرت تولیدکننده گی در چارچوب نظارتی ملی ناکافی و نواقص زیربنایی ارائه می‌کنند. این گزارش، هرات، قندهار و مزار شریف را به عنوان مکان‌های امیدبخشی معرفی می‌کند که سرمایه‌گذاری هدفمند در آنها می‌تواند قدرت رقابت سکتور خصوصی را بلند ببرد. با این حال، بسیاری از این مناطق با چالش‌هایی مانند خدمات شهری غیر منظم، به ویژه برق، لوجستیک محدود و قوانین غیر شفاف مواجه هستند. در این شرایط دشوار، مناطق ویژه اقتصادی می‌توانند دسترسی به برق، آب و زیربناهای ترانسپورتی پایدار را یکجا با پروسه های سادهٔ اداری فراهم سازند. این وضعیت می‌تواند سرمایه گذاری را جذب کرده و فعالیت ها را در مناطق مشخص (Clustering) متمرکز نماید. علاوه بر این، طراحی ّمه شمول مانند فضاهای امن برای زنان، مراکز تعلیمات مسلکی در سایت، و ارتباطات با بازارهای صادراتی می‌تواند نقش حیاتی در به حداکثر رسانیدن اشتغال، به ویژه در میان جوانان و گروه های حاشیه‌نشین، ایفا نماید

گسترش شمولیت مالی و ابزارهای دیجیتل

دسترسی به منابع مالی همچنان یکی از مهم‌ترین محدودیت ها فراروی شرکت‌های افغان، به‌ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط (MSMEs) و کسب‌وکارهای به رهبری زنان است. فروپاشی خدمات بانکی رایج، فضایی را برای مُدل‌های جایگزین، از جمله انتقال پول از طریق موبایل، امور مالی اسلامی و بکسک‌های دیجیتل، باز کرده است. نوآوری‌های امیدوارکننده‌ای مانند پلتفورم‌های تکنالوژی مالی (fintech) مبتنی بر بایومتریک می‌توانند بدون نیاز به پروسهٔ متعارف احراز هویت یا سواد بانکی، به کاربران کم‌سواد و زنان امکان دسترسی فراهم نماید. با این حال، این راه های حل نیاز به حمایت از طرف اکوسیستم دارند: برنامه‌های سوادآموزی دیجیتل، محیط‌های «تست کنترول شدهٔ محدود به زمان regulatory sandboxes»و چارچوب‌های قابلیت همکاری. برای انکشاف راه‌های حل مالی همه شمول، مشارکت تمویل کنندگان و سکتور عامه بسیار مهم است

بازسازی پلتفورم‌های گفتگوی عمومی-خصوصی

نبود میکنیزم های ساختارمند برای گفتگو بین دولت و سکتور خصوصی پیرامون پالیسی سازی، یک نقص در محیط کسب وکار افغانستان است. پیش از سال ۲۰۲۱، نهادهای هماهنگ کنندهٔ سکتور خصوصی در بیان نمودن نگرانی‌ها و پیشنهاد کردن اصلاحات نقش داشتند. غیر حاضری کنونی آنها باعث میشود که شرکت‌های کوچک و متوسط نماینده ای نداشته باشند. راه اندازی دوبارهٔ گفتگوی همه شمول از طریق گروه های فنی کاری، اتحادیه های تجاری قانونی و مشوره‌های شفاف میتوانند طراحی پالیسی ها و مشارکت سکتور خصوصی را تقویت نمایند

تقویت حفاظت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی برای سکتور خصوصی

پلتفورم‌های گفتگو نیز می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند. با اینکه شناسایی فرصت‌ها برای گسترش رشد سکتور خصوصی و افزایش قدرت تولید و میزان عایدات بسیار مهم است، اما برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP) نیز کاملاً متعهد است تا اطمینان حاصل کند که شیوه‌های تجاری به صورت مسئولانه و اخلاقی بکار گرفته میشوند و شامل استندردهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حکومتداری (ESG) هستند. گسترش صنایع و تقویت سرمایه‌گذاری سکتورهای خصوصی، طور مثال در سکتور معدنکاری، باید از طریق اصول صحیح انجام شود و به عنوان فرصتی برای مقابله با نابرابری ها، از جمله نابرابری جنسیتی، مورد استفاده قرار گیرد

بهبود تسهیل تجارت و ادغام منطقوی

موقعیت محصور در خشکه افغانستان و زیربناهای تجاری توسعه نیافته، توانایی این کشور را برای مشارکت در زنجیره های ارزش در سطح منطقه و جهان محدود می‌سازد. تنظیم طرزالعمل های گمرکات، نوسازی زیربناهای مرزی و استفاده از کریدورهای ترانزیتی منطقوی مانند چابهار و کریدور لاجورد از لحاظ کاهش هزینه‌ها و افزایش دسترسی به بازار بسیار مهم هستند. سرمایه‌گذاری در بنادر زمینی، پُسته های مرزی مدغم و پلتفورم‌های تجارت دیجیتل نیز می‌تواند هزینه‌های معاملات تجاری را کاهش داده و قدرت رقابت را در عرصهٔ صادرات افزایش دهد. هماهنگی با کشورهای همسایه در قسمت استندردهای هماهنگ و همکاری گمرکی ضروری است تا پتانسیل تجاری به فعلیت رسیده و مشارکت‌های خارجی افغانستان متنوع گردد

ارتقای مهارت‌ها برای سکتورهای اولویت دار

تفاوت قابل ملاحظه ای بین مهارت‌های موجود در نیروی کار و نیازمندی های «سکتورهای با پتانسیل بلند» از جمله پروسس محصولات زراعتی، ساختمانی، تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات و انرژی‌های قابل تجدید، وجود دارد. سرمایه گذاری در برنامه‌های تعلیمات مسلکی و تخنیکی(TVET) می تواند قسمی تنظیم شود که نیازمندی های سکتور خصوصی را برآورده سازد. تأسیس مراکز تعلیمات مسلکی در پارک‌های صنعتی، حمایت از آموزش در جریان خدمت و وصل نمودن آموزش با نیازمندی های کارفرما می‌تواند آمادگی نیروی کار را افزایش دهد. نصاب درسی حساس به جنسیت، آموزش مهارت‌های نرم و دوره های آموزش دیجیتل نیز برای تضمین جامعیت و موثریت بلندمدت ضروری هستند

گذار از تمویل مالی بشردوستانه به تمویل مالی سرمایه گذاری محور

افغانستان همچنان به شدت به کمک‌های بشردوستانه و حمایت‌های کوتاه‌مدت تمویل کنندگان وابسته است. اگرچه این کمک ها در شرایط کنونی ضروری است، اما نیاز به گذار به سمت تمویل مالی انکشاف بلندمدت و متمرکز بر سرمایه گذاری نیز مشهود است. این شامل حمایت از سرمایه‌گذاری های تجاری سودآور از طریق مودل‌های تبدیل مساعدت های مالی بلاعوض به قرضه، پلان های خروج از مساعدت های مالی دولتی و تمویل مالی مبتنی بر عملکرد می‌شود. همسو کردن تلاش‌های تمویل کنندگان با اولویت‌های سکتور خصوصی می‌تواند پایداری را بهبود بخشد و وابستگی به مساعدت ها را به مرور زمان کمتر سازد

حمایت از انکشاف تشبثات زنان

همانطور که گزارش «گوش دادن به زنان کارآفرین در افغانستان» برنامه انکشاف سازمان ملل متحد به وضوح نشان می‌دهد، کسب‌وکارهای به رهبری زنان در افغانستان با محدودیت‌های نامتناسبی از جمله محدودیت تحرک، دسترسی محدود به منابع مالی و محرومیت دیجیتل و همچنین موانع سیاسی برای مشارکت در اقتصاد رسمی مواجه هستند. ایجاد مناطق متمرکز بر زنان در داخل مناطق ویژه اقتصادی(SEZ)، تضمین ترانسپورت مصئون و کم‌هزینه ، ترویج مودل‌های تولید خانگی و ادغام کسب‌وکارهای متعلق به زنان در زنجیره‌های تأمین، راه های‌حل عملی ارائه می‌کنند. علاوه بر این، کسب‌وکارهای به رهبری زنان می‌توانند بهتر در زنجیره‌های تأمین ادغام شوند، در حالی که پلتفورم‌های دیجیتل ساده سازی‌شده و کانال‌های تجارت الکترونیک می‌توانند دسترسی به بازارها را گسترش دهند. این موارد باید در یک استراتیژی حساس به جنسیت سکتور خصوصی گنجانیده شوند، نه اینکه به عنوان تلاش‌های حاشیه‌ای در نظر گرفته شوند

اجرای اصلاحات نظارتی و ساده‌سازی پروسه های اداری

یک محیط نظارتی بیش از حد پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی، همچنان مانع مهمی فراروی رشد سکتور خصوصی است. طرزالعمل های ثبت کسب‌وکار، صدور مجوز و مالیه باید ساده سازی شوند، شفاف تر شوند و دیجیتلی شوند. حقوق مالکیت، سیستم‌های گمرکی و پروسه های حل اختلافات تجاری نیاز به شفافیت و صحت دارند. در نبود اصلاحات در سطح ملی، مقامات محلی و حکومت سرپرست می‌توانند راه های حل عملی را در «ساحات با پتانسیل بلند» اجرا کنند

تقویت هماهنگی زنجیره ارزش و لوجستیک

زنجیره‌های ارزش پراکنده، کارایی و سودآوری سکتورهای مانند زراعت، تولیدات صنعتی و گیاهان دارویی را محدود می سازند. هماهنگی بهتر بین تولیدکنندگان، پروسس‌کنندگان و تاجران، توأم با سرمایه‌گذاری در مراکز جمع آوری، تأسیسات بسته‌بندی و خدمات صدور تصدیق نامه ها، می‌تواند میزان تولید و ارزش افزوده را بلند ببرد. علاوه بر این، تقویت لوجستیک از طریق سرک ها، زیربناهای ذخیره‌سازی و سیستم‌های ردیابی دیجیتل نیز می‌تواند از رقابت تجاری در سطح داخل و در عرصهٔ صادرات حمایت کند. حمایت عمومی در این زمینه‌ها، یکجا با مشارکت سکتور خصوصی، می‌تواند به افزایش تولیدات و قدرت رقابت تولیدکنندگان افغان، چه در بازارهای داخلی و چه در بازارهای صادراتی، کمک کند



په افغانستان کې د خصوصی سکتور د نقشې تیارول | د ملګرو ملتونو پرمختیایی پروګرام

undpafghanistan.exposure.co

partnerships.communications@undp.org

@UNDPaf

undpafghanistan

@undpafghanistan

undpafghanistan